

# یک الگوی متفاوت در عرصه مدیریت سیاسی کشور

## گفت‌وگو با مدیر مدرسه علمیه دارالحکمه تهران

استاد علیرضا پناهیان در ۲۸ فروردین ماه سال ۱۳۴۴ در تهران متولد شد، پدرش از روحانیون و مبلغین تهران بوده است. او از سال ۱۳۵۶ و در سال اول راهنمایی در کنار دروس مدرسه به تحصیلات حوزوی نیز پرداخته و از سال ۱۳۶۲ در حوزه علمیه قم تحصیلات حوزوی را پی گرفته است، پس از پایان دروس سطح حوزه به مدت ۱۲ سال در درس خارج حضرات آیات وحید خراسان، جوادی آملی، سید محمدکاظم حائری، و مقام معظم رهبری حاضر شده است. پناهیان علاوه بر انجام فعالیت های تبلیغی، به امور اجرایی و مدیریتی در عرصه های فرهنگی نیز اشتغال داشته است، از جمله سوابق او می توان به معاونت فرهنگی لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) در دوران دفاع مقدس، معاونت فرهنگی نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه ها و مرکز جهانی علوم اسلامی اشاره کرد. ایشان بیش از ده سال سابقه تدریس در دانشگاه هنر را دارد و همچنین مسئولیت نهاد این دانشگاه نیز برعهده او بوده است، و بعد از آن هم زمان با مسئولیت مشاوره ریاست نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها و انجام امور تبلیغی به تدریس در حوزه و دانشگاه و پژوهش در علوم دینی مشغول بوده است. در حال حاضر او بیشتر در حوزه به فعالیت می پردازد و مدرسه علمیه دارالحکمه تهران را در سال ۱۳۹۲ تاسیس کرده و به اداره آن مشغول است.

در نهایت این شخصیت سیاسی ظهور پیدا کرد و جا داشت که این اتفاق بیفتد. در جامعه ما شخصیت های شایسته ای که می توانند وارد عرصه سیاست شوند، نه تنها کم نیستند، بلکه بسیار فراوان تر از آن دسته شخصیت های سیاسی ای هستند که متأسفانه به درستی عمل نکردند، ولی باید همچون شهید رئیسی فداکاری کنند و وارد میدان شوند. از خراب شدن نترسند و بیایند و درست عمل کنند.

**• شهید آیت الله رئیسی چگونه توانست استانداردها و شاخصه های کار سیاسی را در جامعه دینی تغییر دهد و با چه رویکردهایی توانست امید را به جامعه بازگرداند؟**

مهم ترین اتفاقی که ایشان رقم زد بازگرداندن امید به جامعه بود. ایشان با حضور خودش در عرصه سیاسی معنای سیاست و روزی را به ابتدال را عوض کرد. شخصیت آقای رئیسی یادآور انسان های خالص و خلص اوایل انقلاب است. همین طور وزیر امور خارجه که واقعاً شخصیت ناشناخته ای است و باید به صورت جداگانه به تحلیل شخصیت و خط فکری ایشان در عرصه دیپلماسی پرداخته و تبیین شود که مشی دیپلماسی ایشان چه بود که حتی در برخی از مقاطع منش ایشان را نمی پسندند و از

**• به چه صورت ایشان توانست با اتخاذ رویکردی متفاوت و فراتر از دوقطبی سازی ها و درگیری های فرعی، در میدان سیاست حضور یابد؟**

اگر جامعه ما به جایی رسید که به شخصیت های سالم بگویند نرو و خودت را در انتخابات خراب نکن، یعنی انتخابات و رقابت ها محل مفسده شده و این یک فاجعه است. به همین دلیل به ایشان توصیه می شد وارد این عرصه نشو و خودت را خراب نکن. منظور از خراب کردن هم این بود که در این رقابت ها تهمت زده می شود و تو هم به هر حال عکس العمل هایی نشان می دهی و درگیری هایی پدید می آید و هر طور حساب کنی به ضرر شما تمام می شود. لذا ایشان با آگاهی کامل از آنچه که رخ خواهد داد وارد میدان شد و طرح خود را اجرا کرد. نوعی سیاست و روزی را با حکمت خاص خودش فراتر از دوقطبی سازی های منحوس و دروغین و درگیری های فرعی در پیش گرفت و اصل را هرگز فدای فرع نکرد. فراتر از انگیزه های غلط سیاست و روزی که برخی از سیاست ورزان در پیش می گیرند و هنوز انتخابات فعلی تمام نشده در فکر انتخابات بعدی و رزومه ساختن برای خود و پرونده سازی برای دیگران هستند. ایشان نه برای خودش دنبال رزومه بود و نه برای دیگران دنبال پرونده، اگرچه از بسیاری از پرونده ها مطلع بود.

**• شهید آیت الله رئیسی سال ها در انقلاب اسلامی مسئولیت داشتند، اما یا شناخته شده نبودند و یا در عرصه سیاسی حضور نداشتند. حضور و ظهور ایشان در عرصه سیاست را چگونه ارزیابی می کنید؟**

بسم الله الرحمن الرحیم. بنده تصور می کنم ظهور شخصیتی مثل شهید رئیسی در عرصه سیاست تقریباً بی سابقه یا کم سابقه است. مردی در عرصه سیاسی ظاهر شد و مهم ترین پست سیاسی کشور را با رأی مردم به دست آورد که جزو سیاستمداران محسوب نمی شد. ایشان یک حقوقدان، قاضی و در همه انتخابات از سوی قوه قضاییه ناظر بود. ایشان مدتی مسئولیت بازرسی کل کشور را نیز بر عهده داشتند و بر دستگاه ها و مدیران دولتی نظارت دقیق داشتند.

**• چه عواملی باعث شدند که شهید آیت الله رئیسی علی رغم توصیه دوستان و اطرافیان، تصمیم به حضور در انتخابات بگیرند و چگونه ایشان قصد داشتند با منش و روش متفاوت خود، تحولاتی را در عرصه سیاسی جمهوری اسلامی ایجاد کنند؟**

شنیدم که ایشان هنگامی که می خواستند اطرافیان و حتی خانواده را نسبت به حضور در انتخابات ریاست جمهوری متقاعد و همراهی آنان را جلب کنند، عبارتی شبیه به این به کار برده اند که: «من قصد دارم یک الگو و روشی را در عرصه سیاسی پیش بگیرم که احساس می کنم کسی غیر از من این روش را به نمایش نخواهد گذاشت.» شخصیت هایی هم که ایشان را ترغیب به حضور در انتخابات می کردند قصد داشتند رئیس جمهوری متفاوت از سایر رؤسای جمهور پیشین به عرصه بیاید و انتخاباتی متمایز از انتخابات قبلی شکل بگیرد.

در آن زمان داشت رسم می شد که هر کس رقیبش را در مناظره های انتخاباتی بیشتر و محکم تر به زمین بزند، بیشتر رأی می آورد. رقابت در عرصه سیاسی داشت به ابتدال می گرایید و لذا ایشان می دانست که وارد چه کارزاری می شود. می دانست که عرصه سیاسی جمهوری اسلامی نیاز به یک شخصیت، منش و چیزی دارد که من آن را «حکمت سیاسی» می نامم. نیاز به مَنشی دارد که متفاوت از منش سیاستمداران است. ایشان این خلأ را می دیدند و شاید علی رغم میل خودشان و دوستانشان که دلسوز ایشان بودند و به ایشان توصیه می کردند وارد انتخابات نشود، عزمشان را جزم کردند و به صحنه آمدند.

### رهبر سیصد هزار نفر مدیر اجرایی

ایشان قسم خورده بودند که من حتی یک لحظه هم به فکر دور بعدی ریاست جمهوری نیستم و واقعاً نبودند. سیاستمداری که بخشی از ذهن خودش را متمرکز بر دور بعدی کند، نمی تواند خوب تدبیر کند و تمرکز کافی برای اداره جامعه نخواهد داشت و کلامش نیز در میان مدیران میانی اثری ندارد. رئیس جمهور در واقع رهبر سیصد هزار نفر مدیر اجرایی است



رئیس عزیز ویژه نامه چهلمین روز عروج شهدای خدمت